

# مطالعه تطبیقی نظارت بر هزینه های انتخاباتی کاندیداها با تاکید بر قوانین انتخاباتی ایران<sup>۱</sup>

دکتر رضا طبرلو\*

افسانه بهلوانلو\*\*

## چکیده

در این مقاله نظارت مالی بر هزینه های انتخاباتی به طور تطبیقی با قوانین ایران مورد بررسی قرار گرفته است. این بحث در ادبیات ما ضروری است به خاطر این که نظارت بر هزینه های انتخاباتی یکی از سازوکارهای مهم حاکم بر سلامت انتخابات است. نظارت به عنوان یکی از اصول اساسی در حقوق عمومی به شمار می آید. نظارت مالی بر انتخابات در اکثر قوانین کشورهای پیشرفته به منظور کنترل بر هزینه های تبلیغات کاندیداها در انتخابات پیش بینی شده است. اما به نظر می آید در قوانین ایران هنوز یک نظام جامعی مدون نشده است و صاحبان اندیشه و فکر و نخبگان اجتماع بخاطر عدم توانایی مالی نمی توانند در انتخابات کاندیدا شوند و اگر هم کاندید شوند از عهده هزینه ها بر نمی آیند. پس نخبگان اجتماع عملاً در اداره جامعه حضور فعال و مستقیم ندارند و در حاشیه قرار می گیرند. همچنین امکان تاثیر پول و ثروت در انتخابات بوجود می آید و انجام هزینه های سرسام آور توسط برخی از نامزدهای انتخاباتی یا هواداران حزبی و یا غیر حزبی آن ها، گاه نتیجه انتخابات را به طور چشمگیری تحت تاثیر قرار می دهد. این پژوهش در دو گفتار مورد بررسی قرار گرفته است که در گفتار اول کلیاتی در خصوص اهمیت نظارت مالی بر انتخابات، مفهوم نظارت، انواع نظارت، تبلیغات در انتخابات و مراجع نظارت بر انتخابات بررسی شده است. در گفتار دوم نظارت مالی و محدودیت های پیش بینی شده بر هزینه های انتخاباتی و کاستی های نظارت مالی بر انتخابات در قوانین ایران مورد بررسی قرار گرفته است. موضوع مهم در انتخابات برگزاری انتخاباتی سالم و صیانت از آرای انتخاب کنندگان می باشد. بدین منظور وجود قوانین و مرجعی برای نظارت مالی بر هزینه های انتخاباتی در قوانین ایران ضروری است و می بایست محدودیت های قانونی بر هزینه های تبلیغاتی کاندیداها و احزاب ایجاد و همچنین از بکارگیری منابع دولتی و عمومی و موقعیت شغلی به نفع کاندیداها و احزاب و گروهها جلوگیری شود. تا اصل برابری بین انتخاب شوندگان ایجاد شود.

**کلید واژگان:** انتخابات، نظارت مالی، اصل برابری، محدودیت بر هزینه های تبلیغاتی، سوء استفاده از اموال دولتی و موقعیت شغلی در انتخابات.

<sup>۱</sup>. تاریخ تحویل: ۱۳۹۱/۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۱۸

\* عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

\*\* کارشناس ارشد حقوق عمومی

انتخابات از جهتی به عنوان فرصتی است تا شهروندان برای انجام پاره ای از امور مشترک ملی، محلی یا صنفی و تعیین سرنوشت خویش گردهم آیند. حفظ سلامت انتخابات و جلوگیری از تعیین سرنوشت کشور توسط یک اقلیت با استفاده از نفوذ مالی اهمیت زیادی در انتخابات دارد. بنابراین در نظام های انتخاباتی سیستم نظارت بر هزینه های انتخاباتی را پیش بینی کرده اند به طوری که اگر هزینه ها از نصاب معین قانونی افزایش یابد، آراء ابطال می شود. نظارت مالی بر انتخابات برای جلوگیری از فساد، ایجاد پاسخگویی و شفافیت ایجاد شده است. موضوع مهم در انتخابات همواره برگزاری انتخاباتی سالم و به دور از تقلب و نیز صیانت از آرای انتخاب کنندگان می باشد. در واقع اصول حاکم بر انتخابات بویژه اصل عمومی بودن انتخابات وقتی قابل اعمال است که آراء مردم نقش اصلی را در انتخابات ایفاء بکند و اعمال نفوذ ها از طریق هزینه های سنگین انتخاباتی نقش اصلی را در انتخابات نداشته باشند.

در این مقاله قوانین انتخاباتی در خصوص نحوه نظارت مالی بر هزینه های انتخاباتی و وجود مقام های نظارت کننده بررسی می شود. اینکه نظارت مالی بر هزینه های انتخاباتی در نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران به چه صورت است؟ آیا اصلاً نظارت مالی وجود دارد؟ و کدام مرجع مقام ناظر می باشد؟

این مقاله دو گفتار دارد در گفتار اول کلیاتی در خصوص اهمیت نظارت مالی بر انتخابات، مفهوم نظارت، انواع نظارت، تبلیغات در انتخابات و مراجع نظارت بر انتخابات و در گفتار دوم نظارت مالی و محدودیت های پیش بینی شده بر هزینه های انتخاباتی و کاستی های نظارت مالی بر انتخابات در قوانین ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

## گفتار اول: کلیات

### ۱- اهمیت نظارت مالی بر انتخابات

یکی از موضوعات مهم در خصوص انتخابات مسئله ی هزینه ی انتخابات و تبلیغات انتخاباتی است. تبلیغات در عرصه ی جهان سیاست و انتخابات به گستردگی مورد استفاده قرار می گیرد و همه نامزدها برای تأثیر گذاری بر افراد مورد نظر، به آن متوسل می شوند.<sup>۲</sup>

اساس انتخابات می بایست مبتنی بر انتخابات آزاد، منصفانه و ادواری باشد. و این معیارها اساس بنیادین دموکراسی می باشند.<sup>۳</sup>

"مطابق ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر" هر کس حق دارد که در حکومت کشور خود، به طور مستقیم یا از طریق نمایندگان خود شرکت کند... اراده مردم باید اساس قدرت حکومت باشد، این اراده باید در انتخابات ادواری و سالمی باشد که باید با حق رای همگانی و مساوی و با رای مخفی یا روشهای رای گیری آزاد نظیر آن، برگزار می شود بیان گردد."

در تمامی نظام های انتخاباتی اصول و قواعدی وجود دارد که اصل برابری در انتخابات بین انتخاب شوندگان را حمایت می کند و افراد، احزاب یا نشریات نمی توانند این اصول را نقض کنند. اگر حاکمیت مردم را خمیر مایه اصلی دموکراسی بدانیم، کثرت گرایی و تعدد فکری و حزبی و رقابت سیاسی از لوازم محوری چنین نظامی به نظر می رسد. در

۲. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۹، ص ۳۶۹.

۳. <http://www.democracyweb.org>

چنین فضایی گرایش‌های سیاسی و جریان‌های قدرت، خود به خود، رو در روی یکدیگر قرار می‌گیرند و در این راه سیاستمداران برای تسلط اوضاع، با به کارگیری شیوه‌های مختلف، برای دفع رقبای خود نهایت تلاش خود را می‌نمایند. اما به هر حال، حق ارزیابی این گونه گرایش‌های سیاسی با مردم است که از طریق انتخابات عمومی فعالیت پیدا می‌کند. بنابراین، انتخابات عمومی که تنها وسیله ممکن برای تأمین نمایندگی است باید به نحوی انجام شود که هیچ خلل و آسیبی بر صحت و سلامت آن وارد نکند. از آن جا که احراز سمت نمایندگی، کسب قدرت سیاسی را به دنبال دارد، رقابت ناسالم بین داوطلبان در امر انتخابات همواره محتمل است. بدین ترتیب برای جلوگیری از ورود هر گونه آسیب بر امر انتخابات، نظارت بر درستی و صحت آن ضرورت پیدا می‌کند.<sup>۴</sup>

## ۲- مفهوم نظارت

نظارت بر روند انتخابات یکی از سازوکارهای کلیدی تأمین سلامت انتخابات است. در کشورهایی که از پیشینه دیرینه «حاکمیت قانون»<sup>۵</sup> برخوردارند معمولاً برای نظارت بر انتخابات سازوکارهایی نظیر کمیته‌های قانونی یا ناظران دولتی وجود دارد. از این گذشته، گروه‌های سازمان یافته شهروندان نیز از نزدیک بر روند انتخابات نظارت دارند و موارد خلاف را به اطلاع مردم می‌رسانند. اهمیت نظارت بر انتخابات در قوانین اساسی کشورها مورد توجه قرار گرفته و اکثراً سعی بر آن شده است که قوه ناظر متشکل از افرادی باشد که در نتایج انتخابات ذینفع نباشند به عبارت دیگر نهاد نظارتی از نهاد اجرایی جدا باشد و حداقل آن که قوه مجریه به علت منافی که در اداره کشور دارد محل خوبی برای نظارت نمی‌تواند باشد. نظارت بر انتخابات از یک جهت باید جنبه پیشگیری از وقوع تخلف را داشته باشد و از طرف دیگر باید جنبه پیگیری را برای موارد تخلف دارا باشد. فلذا، این نظارت، تمام موارد و مراتب مربوط به لزوم صحت انتخابات و درستی روند نمایندگی را شامل می‌شود.<sup>۶</sup>

برای تبیین مفهوم نظارت، در درجه نخست، باید مفهوم نظارت را از اعمال اختیار یا اجرا تفکیک کرد. به این معنا که به لحاظ منطقی، ابتدا باید یک مقام یا نهاد، اختیارات قانونی خود را اعمال کند تا اساساً نظارت بر آن اقدام، معنا پیدا کند. با این وصف، نظارت یک مفهوم مضاف است که همیشه باید در پی مضاف الیه یا متعلق آن بود: نظارت بر چه چیزی؟<sup>۷</sup>

در این جا متعلق نظارت عبارت از مجموعه اقدامات و فرآیندی که در طی انتخابات یک کشور انجام می‌گردد. از این رو، نظارت به معنای دقیق کلمه، عبارتست از کنترل و بررسی اقدامات یک مقام و نهاد حکومتی از سوی مقام و نهاد دیگری که غایت آن، حصول اطمینان از باقی ماندن اقدامات یاد شده در حدود و ثغور قانون است.<sup>۸</sup>

۴. هاشمی، سیدمحمد، نظارت شورای نگهبان، انضباطی است، تهران، روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت، نشر افکار، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۵۵.

۵. Rule of Law

۶. نلسو، سو، مطالعه تطبیقی در باب سلامت انتخابات و صلاحیت انتخابات شوندگان، ترجمه احمد رنجبر، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال نهم، شماره ۳۶، ص ۱۷۸.

۷. راسخ، محمد، نظارت و تعامل در نظام حقوق اساسی، تهران، انتشارات دراک، چاپ نخست، ۱۳۸۸، ص ۱۴۲۰.

۸. هاشمی، سید محمد، نظارت شورای نگهبان، انضباطی است، تهران، روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت، نشر افکار، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۸.

### ۳- انواع نظارت

نظارت به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق عمومی در کنار « اصل مسئولیت »<sup>۹</sup> و « حاکمیت قانون » به شمار می آید. این سه اصل به عنوان الگو برای کشورهای است که در آن دموکراسی را هدف اصلی خود می دانند. هم چنین، نظارت، دارای ابعاد و جنبه های گوناگون بوده و بر حسب رشته ها و گرایش های علمی به اقسام متعددی تقسیم شده است، که از جمله می توان با تقسیم بندی آن در دو حوزه حقوق خصوصی و حقوق عمومی اشاره کرد.

در حقوق خصوصی مواردی از مفهوم نظارت را می توان در مواد ۷۸، ۱۳۳۷، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲ قانون مدنی دید.<sup>۱۰</sup> در حقوق عمومی نظارت بر حسب موضوع و مرجع آن به اقسام متعددی تقسیم شده که عبارتند از نظارت پارلمانی<sup>۱۱</sup>، نظارت اداری<sup>۱۲</sup>، نظارت قضایی<sup>۱۳</sup> و نظارت مالی<sup>۱۴</sup>.

هدف نظارت مالی معمولاً کنترل حساب و هزینه ارگان های حکومتی که بنابر اصل، به دست کارشناسان مالی و زیر نظر نمایندگان ملت انجام می شود. بر همین اساس، نظارت بر هزینه کردن در آمده های عمومی نیز به دیوان محاسبات، از نهادهای وابسته به مجلس شورای اسلامی، سپرده شده است.<sup>۱۵</sup> نظارت مالی نیز مانند سایر نظارت های مقرر در حقوق عمومی منحصر به روش خاصی نبوده و بر حسب مورد، به انواع متعددی تقسیم می شود.<sup>۱۶</sup> بنابراین منظور از نظارت مالی، کنترل و نظارت بر هزینه های انتخاباتی، تبلیغات نامزدها و کاندیداها، تبلیغات احزاب و هر چیزی که به طور مستقیم و غیر مستقیم مربوط به هزینه های انتخاباتی باشد، بایستی شامل نظارت مالی شود.

### ۴- تبلیغات در انتخابات

موضوع رقابت و تبلیغات انتخاباتی از جمله مسائل مهمی است که در نظام های سیاسی متکی به آراء مردم همواره در انتخابات مطرح می شود. هر نظام حقوقی در چارچوب ارزش های بومی، تجارب تاریخی و میزان اهمیتی که به موضوع انتخابات و رأی مردم می دهد، مقررات متنوعی را برای تبلیغات پیش بینی می کند.<sup>۱۷</sup>

#### ۹. Responsibility

۱۰. ماده ۷۸ قانون مدنی: « واقف می تواند بر متولی، ناظر قرار دهد که اعمال متولی به تصویب یا اطلاع او باشد. » چنان که از ظاهر این دستور قانونی بر می آید، نظارت بر دو قسم اطلاعی و استصوابی تقسیم می گردد. نظارت اطلاعی در مواردی است که اعمال متولی تنها به اطلاع ناظر باشد تا اگر خیانت یا تقصیر و ناتوانی مشاهده کند به مقام های عمومی اطلاع دهد. نظارت استصوابی در جایی است که اعمال متولی بایستی به تصویب ناظر برسد بدون این که وی بتواند پیشنهاد دهنده و مقدم باشد. برای نظارت استصوابی می توان به مواد ۱۳۳۷ « تعیین مخارج سالیانه مولی علیه » ۱۲۴۱ قانون مدنی « فروش اموال مولی علیه »، ۱۲۴۲ قانون مدنی « دعوی مربوط به مولی علیه » اشاره داشت. (کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، عقود معین، ج ۳، تهران، نشر یلدا، ۱۳۶۹، ص ۲۴۱).

#### ۱۱. Parliamentary Monitoring

#### ۱۲. Administrative Monitoring

#### ۱۳. Judicial Review

#### ۱۴. Financial Monitoring

۱۵. اصل ۵۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۱۶. راسخ، محمد، نظارت و تعامل در نظام حقوق اساسی، تهران، انتشارات دراک، چاپ نخست، ۱۳۸۸، ص ۳۵.

۱۷. بزرگمهری، مجید، بررسی تطبیق، تبلیغات در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایران و فرانسه، فصل نامه علمی و پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، دوره یازدهم، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱.

با توجه به پیچیدگی تبلیغات انتخاباتی و هزینه‌های سنگین آن، تنها قشر محدودی از افراد جامعه توانایی مشارکت در رقابت‌های انتخاباتی را دارند. در درجه نخست تنها کسانی می‌توانند نامزد نمایندگی باشند که از امکانات لازم بهره مند یا از سوی حزب و جناحی که چنین امکاناتی را داراست حمایت شوند. برای سالیان متمادی، احزاب سیاسی جزء مهم ترین نهادها و تشکیلات سیاسی بودند که چنین نقشی را ایفاء می‌کردند. برای مثال بسیاری از پژوهشگران، احزاب آمریکایی را "ماشین‌های انتخاباتی" نامیده‌اند. در عین حال در کشوری چون آمریکا، توانایی‌های مالی مشخص نامزد یکی از عوامل تعیین کننده پیروزی در انتخابات است. نگاهی به ترتیب کنگره مجلس سنای آمریکا می‌تواند این ادعا را به خوبی اثبات کند. مطالعات نشان می‌دهد که  $\frac{1}{5}$  اعضای کنگره از میلیونرها هستند و ۲۸ سناتور آمریکایی از سرمایه داران بزرگ می‌باشند.<sup>۱۸</sup> با این روند بدیهی است صاحبان ثروت در راس قدرت قرار می‌گیرند و صاحبان فکر و اندیشه و تخصص و نخبگان اجتماع عملاً به حاشیه رانده شده و نمی‌توانند نقشی در اداره جامعه ایفاء کنند.

در ایالات متحده آمریکا دیوان عالی کشور در تصمیم خود در رای "باکلی علیه والو" در سال ۱۹۷۶<sup>۱۹</sup> اجازه می‌دهد نامزدهای انتخاباتی بطور نامحدودی از پول خود را صرف تبلیغات انتخاباتی بکنند. اما دیوان عالی کشور آمریکا محدودیت‌های دیگری را بر تبلیغات انتخاباتی مقرر می‌کند بطوری که در رای "مک کونل علیه کمیسیون انتخابات فدرال"<sup>۲۰</sup> محدودیتهای بیشتری را بر امور مالی و صرف هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی مقرر کرده است.<sup>۲۱</sup>

به علت این که روش‌های تبلیغات انتخاباتی بسیار متنوع و متعدد بوده و در این رابطه نامزدها و یا احزاب سیاسی غرق در رقابت انتخاباتی شوند، ممکن است حقوق رقبا و سایر شهروندان را نقض کنند در این رابطه اتحادیه‌ی بین المجالس در اجلاس ۱۵۴ شورای این اتحادیه، اعلامیه‌ی رایج به معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه در ۲۶ مارس ۱۹۹۴ در پاریس به تصویب رساند، که معیارهای جهانی را در ارتباط با مشاغل مرتبط با انتخابات ارائه کرده است. اگرچه اعلامیه قسمت خاصی را به مباحث تبلیغات اختصاص نداد. لکن از خلال مواد آن می‌توان به برخی از عناوین مرتبط با تبلیغات انتخاباتی اشاره کرد. اعلامیه در بند ۲ از ماده سه اعلام می‌دارد که هر یک از شهروندان حق دارد به منظور مبارزه انتخاباتی به حزب یا سازمان سیاسی وارد شوند و یا همراه دیگران، حزب یا سازمان سیاسی تشکیل دهد. بر اساس بند سوم همین ماده، هر کس منفرداً یا مجتمعاً حق دارد:

- دیدگاه‌های سیاسی خود را بدون بیم و نگرانی ابراز کند؛

- اقدام به دریافت و مبادله اطلاعات کند؛

- برای مبارزات انتخاباتی در کشور آزادانه رفت و آمد کند؛

- بر مبنایی مساوی با دیگر احزاب سیاسی از جمله حزب تشکیل دهنده دولت حاکم، به مبارزه انتخاباتی بپردازد.<sup>۲۲</sup>

<sup>۱۸</sup>. ابویی، حجت ا...، اکثریت چگونه حکومت می‌کند، تهران، انتشارات سرومن، چاپ دوم، ۱۳۸۲، ص ۸۵ و ۱۵۷.

<sup>۱۹</sup>. Buckley v. Valeo (1976)

<sup>۲۰</sup>. McConnell v. Federal Election Commission (2003).

<sup>۲۱</sup>. <http://www.democracyweb.org>

<sup>۲۲</sup>. بزرگمهری، مجید، بررسی تطبیقی، تبلیغات در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایران و فرانسه، فصل نامه علمی و پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، دوره یازدهم، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۸۶، ص ۵-۲.

## ۵- مراجع نظارت بر انتخابات

امروزه علاوه بر ساز و کارهای نظارت داخلی، ساز و کار نظارت بین المللی نیز مطرح شده است هر چند اصولاً واگذاری این امر با حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی یک کشور منافات دارد و این نوع نظارت را به نوعی بر گرفته از نظام استعماری می دانند.

اما موسسه بین المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات "IDEA"<sup>۲۳</sup> نظارت انتخاباتی را به عنوان گردآوری هدفمند اطلاعات مربوط به پروسه های انتخاباتی و فراهم کردن قضاوتی آگاهانه درباره فرآیند مزبور بر مبنای اطلاعات گردآوری شده تعریف می کند.<sup>۲۴</sup>

بنابر این نظارت بر انتخابات بر دو مقوله نظارت بین المللی و نظارت ملی بر انتخابات تقسیم می شود. اولین انتخاباتی که تحت نظارت بین المللی برگزار شد، انتخابات سراسری مولداوی و والاشیا در ۱۸۵۷ بود که تحت نظارت کمیسیون اروپا مرکب از نمایندگان اتریش، بریتانیا، فرانسه، پروس، روسیه و ترکیه برگزار شد. هم چنین مشارکت سازمان ملل در نظارت بر انتخابات بین المللی، به انتخابات ۱۹۲۸ کره بر می گردد. منتهی این مشارکت تا دهه ۵۰ و ۶۰ اهمیت چندانی نداشت. علاوه بر آن می توان به فعالیت های نظارتی سازمان های غیر دولتی نیز اشاره نمود؛ شاید در این رابطه مهم ترین گروه، گروه بین المللی حقوق بشر است که در سال ۱۹۸۳ یک پروژه نظارت بر انتخابات را آغاز کرد و در سال ۱۹۸۴ اولین مجموعه راهبردی برای نظارت بر انتخابات را به وسیله «لاری گاب» منتشر کرد.

هم چنین نظارت داخلی بر انتخابات احتمالاً همزمان با انتخابات رقابتی، ظهور کرده است. در این نوع نظارت نمایندگان احزاب، رسانه ها و نمایندگان کاندیداها در محل اخذ رای حضور پیدا می کنند. این نظارت به خاطر از بین بردن دستکاری انتخاباتی، مشاهده قوت و نیروی تأثیر سازمان حزب برای رأی دهندگان و با خبر ساختن حزب از میزان رأی دهندگان و نتیجه انتخابات است. محدوده این حضور از بررسی و تحقیق دقیق در باب سوء استفاده ها شروع و تا هدایت مرحله قبل، حین و نیز بعد از آن ادامه دارد.<sup>۲۵</sup>

### گفتار دوم: نظارت مالی و محدودیت های پیش بینی شده بر هزینه های انتخاباتی

در حال حاضر یکی از آفت ها و نقاط آسیب پذیر نظام های مردم سالار، قاعده مند نبودن منابع و عملکرد مالی احزاب، گروه های سیاسی، نامزدها در ایام انتخابات است. انجام هزینه های سرسام آور توسط برخی نامزدهای انتخاباتی یا هواداران حزبی یا غیر حزبی آن ها گاه نتیجه انتخابات را به طرز شگفت انگیزی تحت تأثیر قرار می دهد. یقیناً تأثیر چنین پدیده ای در جوامع توده دار و فاقد طبقه متوسط قوی، بیشتر و عمیق تر می باشد. قاعده مند نبودن هزینه های انتخاباتی در نظام های مردم سالار در نهایت، نظام سیاسی مورد نظر را به سمت گونه ای

<sup>۲۳</sup>. The International Institute for Democracy and Electoral Assistance

<sup>۲۴</sup>. عدالت جو، اعظم، مطالعه تطبیقی، نظارت بر انتخابات پارلمان ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۷، ص ۳۵.

<sup>۲۵</sup>. عدالت جو، اعظم، مطالعه تطبیقی، نظارت بر انتخابات پارلمان ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۷، صص ۲۵-۱۹.

از اشراف سالاری هدایت خواهد کرد... یکی از راه‌هایی که می‌تواند به تقویت پایه‌های مردم سالاری پردازد، اعمال نظارت مالی بر هزینه‌های انتخاباتی نامزدهاست. همان طور که بیان شد هم اکنون نظارت مذکور در بسیاری از کشورهای توسعه یافته دنیا نظیر ایتالیا، اسپانیا، آمریکا، ژاپن، فرانسه و انگلستان به سستی مقبول و جا افتاده تبدیل شده است. بعنوان مثال در بریتانیا روشهای برای محدود کردن هزینه‌های انتخاباتی مقرر شده است.

قانون همه‌پرسی، انتخابات و احزاب سیاسی سال ۲۰۰۰ بریتانیا<sup>۲۶</sup> مقرر می‌کند هزینه‌های انتخاباتی، شامل هر هزینه‌ای است که توسط احزاب به منظور افزایش تداوم و تشویق موفقیت انتخاباتی حزبی در انتخابات در حال برگزاری یا انتخابات آتی صرف می‌شود. این هزینه‌ها ممکن است بمنظور انتشار مطالبی در خصوص رقیب یا افزایش موفقیت‌های کاندیدای خود صرف شود.

هزینه‌های انتخاباتی شامل هر هزینه‌ای صرف شده بوسیله حزبی در ارتباط با موارد زیر است: تبلیغات سیاسی حزبی، اطلاعیه‌ها، مطالب مربوط به هیئت انتخاباتی، بیانیه‌ها یا دیگر اسناد سیاسی، تحقیقات در بازار، انتشارات و مطبوعات، مسافرت‌های انتخاباتی، تظاهرات و برگزاری میتینگ‌ها و غیره.<sup>۲۷</sup>

تمامی احزاب در رقابت انتخاباتی مشمول محدودیتهای در هزینه‌های انتخاباتی در یک دوره مشخص قبل از انتخابات هستند. این محدودیت‌ها به محدودیتهای مجزای مربوط به هزینه‌های انتخاباتی صرف شده توسط خود کاندیدای‌های شرکت کننده در انتخابات تقسیم می‌شوند. بطور مثال احزاب مشمول محدودیت‌های هزینه‌ای مجزا در انتخابات عمومی پارلمان، انتخابات پارلمان اسکاتلند، مجلس شورای ملی ولز، مجلس ایرلند شمالی و پارلمان اروپا می‌باشند. در انتخابات محلی محدودیت‌های مجزایی برای هزینه‌های انتخاباتی وجود ندارد اما هزینه‌های صرف شده در انتخابات محلی در مجموعه هزینه‌های انتخاباتی حزب محاسبه می‌شود. محدودیت‌های هزینه‌ای با تعداد واجدین شرایط انتخاب کنندگان و مناطقی که حزب رقابت دارد مشخص می‌شود. جدول زیر این محدودیت‌ها را در بریتانیا مشخص می‌کند.

انتخابات	دوره مقرر (با زمان رای گیری پایان می‌یابد.)	تعیین محدودیت هزینه	حداکثر هزینه (مبتنی بر رقابت حزب به نسبت واجدین شرایط انتخاب کنندگان و مناطق)
پارلمان بریتانیا	۳۶۵ روز	£30,000 به نسبت واجدین شرایط انتخاب کنندگان در هر رقابت	£18.96m GB £540,000 N
پارلمان اسکاتلند	۴ ماه	۱۲۰۰۰ پوند در هر رقابت انتخاباتی به نسبت واجدین شرایط انتخاب کنندگان و	£1.516m

<sup>۲۶</sup>. The Political Parties, Elections and Referendums Act 2000 (PPERA)

<sup>۲۷</sup>. <http://www.electoralcommission.org.uk>

		بعلاوه ۸۰۰۰۰ پوند در هر منطقه رقابتی	
مجلس ملی ولز	۴ ماه	۱۰۰۰۰ پوند در هر رقابت انتخاباتی به نسبت واجدین شرایط انتخاب کنندگان بعلاوه ۴۰۰۰۰ پوند در هر منطقه رقابتی	£600,000
مجلس ایرلند شمالی	۴ ماه	۱۷۰۰۰ هزار پوند در هر رقابت انتخاباتی به نسبت واجدین شرایط انتخاب شوندگان	£306,000
پارلمان اروپا	۴ ماه	۴۵۰۰۰ پوند برای هر منطقه ای که رقابت وجود دارد که با تعداد اعضای پارلمان برای آن منطقه قابل افزایش است.	£3.105m GB £135,000 NI

وقتی هزینه ای در کل بریتانیا صرف می شود احزاب موظفند اختصاص این هزینه ها را به هر کدام از انگلیس، اسکاتلند، و ولز را مشخص نمایند تا محدودیت مورد نظر برای هر منطقه نقض نشود. بعد از انتخابات، احزاب موظفند گزارشی از هزینه ها را به تفصیل تسلیم نمایند. این گزارش هر مورد فردی و هزینه های مشخص در هر منطقه ای از بریتانیا را مشخص نماید. گزارش می بایست در طول سه ماه انتخابات تسلیم شود. اگر حزبی بیش از حد مقرر صرف کند می بایست یک اظهارنامه به توسط یک حسابرس مستقل همراه گزارش ارائه نماید.<sup>۲۸</sup>

در کشور جمهوری اسلامی ایران بر اساس تصریح اصل نود و نهم قانون اساسی، نظارت بر انتخابات از وظایف و اختیارات شورای نگهبان بوده است، این شورا در نظام حقوق اساسی ایران اساساً یک نهاد نظارتی است. اختیارات نظارتی این نهاد بر دو نوع است: تقنینی و سیاسی. نظارت تقنینی همان نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی است تا از عدم مغایرت آن‌ها با احکام شرع و قانون اساسی اطمینان حاصل کند. این بازبینی نظارت تقنینی به معنای نظارت بر قانون گذاری است. افزون بر این، اصل ۹۹ قانون اساسی، وظیفه نظارت بر انتخابات را بر عهده‌ی شورای نگهبان گذاشته که از مصادیق نظارت سیاسی است، زیرا در حقیقت نظارت این شورا بر انتخابات در به دست گرفتن یا نگرفتن قدرت افراد، جناحها و احزاب تأثیر به سزا دارد. این تأثیر با توجه به معیاری که برای نظارت سیاسی تعریف شد؛ ایفای نقش در کسب یا از دست دادن قدرت، چیزی جز نظارت سیاسی نیست.<sup>۲۹</sup>

در قوانین انتخاباتی ایران، محدود مقرراتی را در مورد فعالیت‌های انتخاباتی، نظارت مالی بر انتخابات، نظارت بر تبلیغات می توان یافت. جهت گیری این مقررات بیشتر به سمت اعمال محدودیت بر تبلیغات است تا نظارت بر هزینه‌های آن. مقررات گذاری تأمین مالی احزاب و نامزدها از مهم ترین موضوعات در حوزه درآمدهای سیاسی یا سرمایه حزبی به

<sup>۲۸</sup>. <http://www.electoralcommission.org.uk>

<sup>۲۹</sup>. راسخ، محمد، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران، انتشارات دراک، چاپ نخست، ۱۳۸۸، ص ۹۵-۹۴.



شمار می‌رود.<sup>۳۰</sup> به طوری که کشورهای مختلف، قوانینی متفاوت در این باره تصویب نموده اند.<sup>۳۱</sup>

وجود محدودیت‌های قانونی در کشورها متفاوت است. انتخاب محدودیت‌های قانونی یک روش است و نمی‌توان به طور مطلق بر این عقیده بود که در یک کشور کدام نوع محدودیت‌ها اعمال می‌شود. بنابراین باید توقع و انتظارات خود را از انتخابات مشخص کنیم، چرا که توجه به فلسفه و هدف از انتخابات از اهمیت فراوان برخوردار است و می‌تواند گزینش نظارت مطلوب مالی را تأمین کند. وجود چارچوب‌های قاعده مند برای مسائل مالی انتخابات از مسائل مهمی است که برای برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه، ناگزیر از توجه به آن هستیم، نقش موثری که پول در دنیای سیاسی امروز بازی می‌کند بدون مهار حقوقی آن می‌تواند به فاجعه منجر شود که از انتخابات و دموکراسی جز ظاهری دل‌فریب باقی نگذارد به طوری که این عقیده باعث شده که آیا دموکراسی می‌تواند در مقابل قدرت « پول کلان » تاب بیاورد.<sup>۳۲</sup> البته اگر به این اعتقاد داشته باشیم که یکی از آرزوهای حقوقی این است که برای هر مسأله‌ای می‌توان پاسخی از مجموعه قوانین و مقررات یافت. حتی در صورت فقدان قوانین صریح و روشن می‌توان تا حدی از لایه قوانین عام اصولی را تبیین نمود.

یکی از این موارد محدودیت‌های قانونی برای نهادهای عمومی است. طبق اصل بیستم قانون اساسی: « همه افراد ملت ... یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق ... سیاسی..... با موازین اسلام برخوردارند.» همچنین طبق اصل پنجاه و سوم قانون اساسی « کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. » از سوی دیگر طبق اصل صد و چهل و هشتم قانون اساسی « هر نوع بهره مندی شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی افراد از آن‌ها به صورت گماشته و راننده شخصی و امثال این‌ها ممنوع است» این موارد تذکراتی است که در قانون اساسی به صوت کلی آمده است و از این موارد، عدم استفاده از منابع مالی عمومی و بیت المال در فعالیت سیاسی و انتخابات و ... به راحتی استنباط می‌شود. هم چنین « به منظور تضمین برخورداری یکسان نامزدهای ریاست جمهوری از امکانات دولتی کمیسیونی به نام کمیسیون بررسی تبلیغات انتخابات در وزارت کشور و بنا به دعوت وزیر کشور تشکیل می‌گردد.<sup>۳۳</sup> علاوه بر آن » استفاده مساوی نامزدهای ریاست جمهوری از صدا و سیما<sup>۳۴</sup>، « ممنوعیت تبلیغات له یا علیه نامزدها، در ساعات اداری در اماکن دولتی و از امکانات عمومی که مشمول این ممنوعیت به نهادهای عمومی غیر دولتی نیز تسری دارد<sup>۳۵</sup>، « ممنوعیت الصاق تبلیغات روی تابلوهای عمومی و دولتی<sup>۳۶</sup>، « ممنوعیت و جرم بودن فعالیت تبلیغاتی ناظران و مجریان انتخابات له و علیه نامزدها<sup>۳۷</sup>».

<sup>۳۰</sup> نجابت خواه، مرتضی، « بررسی تطبیقی تأمین مالی احزاب و انتخابات، مرکز پژوهش‌های مجلس «دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۸، ص ۳۱.

<sup>۳۱</sup> عرفانی، محمود، حقوق تطبیقی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۰، صص ۳۸-۳۳.

<sup>۳۲</sup> لاگلین، مارتین، مبانی حقوق عمومی، ترجمه محمد راسخ، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۹.

<sup>۳۳</sup> ماده ۶۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری.

<sup>۳۴</sup> ماده ۶۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری.

<sup>۳۵</sup> ماده ۶۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری.

<sup>۳۶</sup> ماده ۶۹ قانون انتخابات ریاست جمهوری.

<sup>۳۷</sup> ماده ۷۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری.

مواد پنجاه و شش تا شصت و پنجم قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز موارد مذکور را تکرار کرده اند. همچنین « ممنوعیت چاپ و انتشار نشریات غیر ضرور از سوی وزارت خانه ها، موسسات و شرکت های دولتی » و ممنوعیت شهرداری ها و سازمان های وابسته آن نیز از تبلیغات له یا علیه یکی از کاندیداها مقرر شده است.

مورد دوم از موارد نظارت، نظارت بر احزاب و کاندیداها مستقل است که در کشور ما فقط برای تبلیغات کاندیداها، در خصوص نوع و زمان آن قائل به محدودیت شده است و در خصوص میزان هزینه مالی آن سخنی ایراد نکرده است. پیش بینی سقف هزینه و کنترل دقیق برای عدم تجاوز از این سقف برای نامزدها، موضوعی است که به تحقق اصل صحت رای کمک می کند. در مواردی دیده شده است که نامزدها اقدام به خرید رأی می نمایند که عزم جدی قانون گذار را می طلبد که « خرید و فروش رأی » را جرم انگاری منظور نماید تا نوعی نظارت صورت پذیرد که تاثیر خود را بر روی وضعیت مالی کاندیداها خواهد گذاشت و از اثربخشی مراکز قدرت و ثروت در رأی شهروندان و احتمال وابستگی آتی نامزدها به بنگاه های مالی می کاهد که این امر مهم در قوانین ما مغفول مانده است.

به طور کلی در کشورهای دیگر مقررات مالی ویژه ای برای فعالیت های انتخاباتی پیش بینی کرده اند:

۱- استخدام یک مسئول مالی مجزا در بانک برای فعالیت های انتخاباتی و ارائه گزارش مالی - گردش آن حساب به

مراجع مربوط؛

۲- افتتاح یک حساب مالی مجزا در بانک برای فعالیت های انتخاباتی و ارائه گزارش مالی - گردش آن حساب به

مراجع مربوط؛

۳- سقف هزینه تا حد مجاز و عدم تخطی از آن سقف؛

۴- کمیسیونی مربوط به رقابت های انتخاباتی و سیاسی به این امور رسیدگی می کند.

برخی از کشورها حتی به این موضوع آن قدر اهمیت داده اند که در قانون اساسی خود به آن اشاره کرده اند.<sup>۳۸</sup> بر محدودیت هایی که ذکر شد شورای نگهبان می تواند نظارت خود را فقط بر روی « شکل تبلیغات » و « عدم استفاده از منابع دولتی و عمومی » اعمال کند و به لحاظ فقدان موازین قانونی، نظارتی بر میزان هزینه های انتخاباتی ندارد.

نظارت غیر مستقیم را هم به طور خلاصه می توان به موارد ذیل تقسیم نمود:

۱- نظارت مالی از سوی قوه مقننه و نهادهای وابسته: بررسی اعتبارنامه نمایندگان « با اعمال بررسی سقف هزینه های

انتخاباتی که در کشور ما ظاهراً وجود ندارد » - دیوان محاسبات - نظارت از طریق تحقیق و تفحص مجلس؛

۲- نظارت مالی از سوی قوه مجریه و نهادهای وابسته: وزارت کشور و هیأت های اجرایی، سازمان حسابرسی -

معاونت نظارت و بازرسی دفتر رهبری؛

۳- نظارت مالی قوه قضائیه و نهادهای وابسته .

### کاستی های نظارت مالی بر انتخابات در قوانین ایران

در جمهوری اسلامی ایران مسأله هزینه های انتخاباتی و نظارت مالی بر روند انتخابات آن گونه که در کشورهای دیگر مطرح است، دقیقاً مشخص نشده است. یارانه احزاب هنوز نظام حقوقی مشخصی ندارد. قبلاً در اجرای تکلیفی که

<sup>۳۸</sup>. احمدی، علی، انتخابات در ایران، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۳۰۳.

قانون برنامه‌ی چهارم توسعه برای حمایت از تشکلهای غیر دولتی بر عهده دولت گذاشته است، در لوایح بودجه‌ی سال‌های ۸۱ تا ۸۴ اعتباری حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیون تومان منظور می‌شد که احزاب نیز به عنوان گونه‌ای از نهادهای مردمی از آن برخوردار می‌شدند. اما از سال ۱۳۸۵ این اعتبار قطع شد و حتی خانه احزاب و کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب نیز که هر کدام ۵ درصد از اعتبار یاد شده را به عنوان یارانه می‌گرفتند از این امکان محروم شدند.<sup>۳۹</sup> این در حالی است که احزاب در نظام سیاسی وقتی شکل می‌گیرند که نقشی برای آن‌ها در تشکیل دولت فراهم شود و این زمانی ممکن است که رقابت گروهی و فعالیت دسته جمعی، لازمه کسب قدرت و تشکیل دولت باشد.<sup>۴۰</sup>

یکی دیگر از موارد کاستی‌ها، وجود نظارت مالی و شفافیت در انتخابات است و این زمانی ممکن است که احزاب، گزارش‌های خود را به مرجع مستقلی ارائه دهند. این گزارش‌ها باید شامل نام کمک‌کنندگان و مقادیر کمک‌هایشان خصوصاً کمک‌های غیر نقدی و وام‌ها باشد و موارد مصرف این وجوه نیز باید در نظر گرفته شود. همچنین یکی دیگر از موارد شفافیت، تحول در قوانین است که می‌تواند به طور موثر از مفاسد مالی در جریان انتخابات و متعاقب آن از به انحراف کشیده شدن نمایندگان جلوگیری کند. بدون تدوین مقررات مناسب، نهادهای نظارتی همچون کمیسیون ماده ۱۰ امکان تأثیرگذاری چندانی بر کاهش مفاسد در این زمینه نخواهد داشت.

یکی از موارد و کاستی‌های بزرگ و نقاط آسیب‌پذیر نظام‌های مردم‌سالار قاعده مند نبودن منابع و عملکرد مالی احزاب و گروه‌های سیاسی به ویژه در ایام انتخابات است. یکی از راه کارهایی که می‌تواند به تقویت پایه‌های مردم‌سالاری بپردازد، اعمال نظارت مالی حقوقی دقیق بر منابع مالی سازمان‌های حزبی و هزینه‌های انتخاباتی نامزدهاست، نظارت مالی بر انتخابات را می‌توان از طریق تشکیل کمیسیون یا شورای نظارت بر هزینه‌های انتخاباتی پیگیری کرد و در صورت وجود زمینه‌های لازم می‌توان نهاد مزبور را، شورای عالی نظارت بر امور مالی حوزه سیاست نام نهاد. شورای عالی نظارت بر امور مالی حوزه سیاست می‌تواند دارای ماهیت و وضعیت اداری یا قضایی باشد. ضرورت حفظ بی‌طرفی و رعایت اصول دادرسی منصفانه ایجاب می‌کند تا شورای مورد بحث دارای ماهیت و کارکرد قضایی باشد. سه وظیفه و مأموریت کلی را می‌توان برای شورای عالی نظارت بر امور مالی حوزه سیاست در نظر گرفت:

۱- جمع‌آوری حساب‌ها، بازرسی و نظارت مستمر و منظم بر امور مالی احزاب و گروه‌های سیاسی و انجام قضاوت‌های نهایی درباره آن‌ها؛

۲- نظارت بر میزان و نحوه انجام هزینه‌های انتخاباتی توسط نامزدهای خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی؛

۳- انتشار منظم گزارش حساب‌های مالی احزاب و گروه‌های سیاسی - هزینه‌های انتخاباتی احزاب و نامزدها.<sup>۴۱</sup>

<sup>۳۹</sup>. گرجی، علی اکبر، عابدینی، سعید، انتخابات در چنبره فساد مالی، فصلنامه علمی و تخصصی حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۸، ص ۴۴.

<sup>۴۰</sup>. شمس، محمدرضا، نظام انتخاباتی و احزاب حکومتی ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، دی ماه ۱۳۸۷، ص ۲۳.

<sup>۴۱</sup>. گرجی، علی اکبر، عابدینی، سعید، پیشین، ص. ۴۷.

## نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که بیان گردید این نتیجه گرفته می‌شود که:

نظارت مالی بر انتخابات در مجموعه نظارت انتخاباتی قرار گرفته که خود شامل مجموعه ای از نظارت‌های متعدد استصوابی، اطلاعی، اداری و ... می‌باشد که به منظور تأمین سلامت انتخابات شکل می‌گیرد. با توجه به این که شورای نگهبان در نظریه تفسیری خود نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی را استصوابی و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات، از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌داند که اختیار نظارت شورا را گسترش کیفی داده و به هیچ وجه منطقی نمی‌توان آن را با لفظ و روح قانون اساسی منطبق ساخت بلکه این نظارت، نظارت پسینی و اطلاعی است.

جهت گیری قوانین انتخاباتی ایران در رابطه با نظارت مالی بر انتخابات، بیشتر مربوط به تبلیغات و محدودیت بر آن است تا نظارت بر هزینه‌های انتخاباتی. در این زمینه، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی فصل ششم خود را به تبلیغات اختصاص می‌دهد و از جنبه‌های مختلف تعیین تکلیف می‌کند. اما در رابطه با نظارت مالی بر انتخابات، راه کارها، پیش بینی نهاد و ... اقدامی نمی‌اندیشد. قانون گذار می‌توانست در خلال فصل هفتم راجع به تخلفات با موضوع هزینه‌های انتخابات و نظارت مالی بر انتخابات نیز بپردازد.

مورد دیگر این که استفاده از امتیازهای تبلیغاتی و مالی نامزدها و احزاب است که باید دانست چه کسی بر تخصیص این امتیازات نظارت دارد هر چند شاید بتوان به وجود کمیسیون ماده ۱۰ توجه نمود. اما باید در نظر داشت که چون اعضای این کمیسیون بیشتر مقامات دولتی می‌باشد می‌تواند این امر را بر ما تفهیم کند که این اعضا به هر حزبی که موافق آنان باشد امتیاز دهی نمایند.

در رابطه با تخصیص یارانه‌های دولتی باید قانونی جامع تصویب گردد که بتواند این یارانه را به طور مستمر در اختیار احزاب قرار دهد. در ضمن بسیاری از احزاب مینیاتوری ایجاد شده اند که تعداد اعضای آنها شاید از تعداد انگشتان دست بیشتر نباشند و هیچ کدام یک از معیاری لازم حزب و تشکل را دارا نمی‌باشند اما با اسم همان تشکل یارانه دریافت کرده و در مجامع حضور پیدا می‌کنند و عملاً فعالیتی هم ندارند.

یکی از کاستی‌های نظارت مالی نبود مرجعی مستقل برای نظارت مالی بر انتخابات است که وجود آن می‌تواند در صحت برگزاری انتخابات، مفید اثر باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد مرجعی مستقل برای نظارت مالی بر انتخابات و هزینه های انتخاباتی احزاب و نمایندگان بوجود آید و قوانین و مقرراتی که سقف هزینه های انتخاباتی را مشخص و توسط یک ذیحساب مستقل کنترل نماید و همانند قوانین انتخاباتی برخی کشورها اگر هزینه انتخاباتی کاندیدای بیش از سقف مقرر باشد هر چند هم برنده انتخابات شود ابطال گردد. البته تخصیص یارانه بر انتخابات در گذشته زمینه های سوء استفاده فراوانی را ایجاد کرده است و برای حفظ اصل برابری می‌بایست نظام جامع و عادلانه ای ایجاد شود و تا زمان ایجاد نظام عادلانه تخصیص یارانه متوقف شود. اعضای کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب می‌بایست مستقل و نباید سابقه وابستگی به احزاب و جناحهای سیاسی را داشته باشند.

## منابع

### ۱- فارسی

#### الف: کتب

۱. احمدی، علی، انتخابات در ایران، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۲. ایوبی، حجت‌الاسلام، اکثریت چگونه حکومت می‌کند، تهران، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۳. بارت، اریک، مقدمه ای بر حقوق اساسی، ترجمه عباس کدخدایی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
۴. بزرگمهری، مجید، بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ج ۵، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸.
۶. دو ورژ، موریس، جامعه شناس سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
۷. راسخ، محمد، نظارت و تعامل در نظام حقوق اساسی، تهران، انتشارات دراک، چاپ نخست، ۱۳۸۸.
۸. عالم، عبد الرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۹.
۹. عرفانی، محمود، حقوق تطبیقی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۱۰. قهریور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۳، تهران، نشر کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، عقود معین، ج ۳، تهران، نشر یلدا، ۱۳۶۹.
۱۲. لاگلین، مارتین، مبانی حقوق عمومی، ترجمه محمد راسخ، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۴، تهران، موسسه انتشاراتی امیر کبیر، ج ۲۳، ۱۳۸۵.
۱۴. هاشمی، سید محمد، نظارت شورای نگهبان، انضباطی است، تهران، روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت، نشر افکار، چاپ اول، ۱۳۷۸.

#### ب: مقالات

۱. بزرگمهری، مجید، بررسی تطبیقی تبلیغات در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایران و فرانسه، فصل نامه علمی و پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، دوره یازدهم، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۸۶.
۲. رنجبر، احمد، تأمین مالی احزاب سیاسی، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی دفتر مطالعات سیاسی، آبان ماه ۱۳۸۷.
۳. شریف، محمد، نگرش حقوقی به مقوله نظارت استصوابی، مجموعه مقالات نظارت استصوابی، تهران، نشر افکار، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴. شمس، محمدرضا، نظام انتخاباتی و احزاب حکومتی ایران، تهران، مرکز پژوهش های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، دی ماه ۱۳۸۷.
۵. عباسی، بیژن، نقد و بررسی نظام های انتخاباتی اکثریتی و تناسبی، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.
۶. گرجی، علی اکبر، عابدینی، سعید، انتخابات در چنبره فساد مالی، فصلنامه علمی و تخصصی حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۸.
۷. موسی زاده، ابراهیم، نظارت انتخاباتی، ماهیت نظارت شورای نگهبان، نشریه حکومت اسلامی، سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷.
۸. نجابت خواه، مرتضی، بررسی تطبیقی تأمین مالی احزاب و انتخابات، مرکز پژوهش های مجلس «دفتر مطالعات سیاسی»، ۱۳۸۸.

۹. نلسو، سو، مطالعه تطبیقی در باب سلامت انتخابات و صلاحیت انتخابات شوندهگان، ترجمه احمد رنجبر، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال نهم، شماره ۳۶.

#### ج: جزوات و پایان نامه‌ها

۱. جهرمی، سید محمد، تدوین استراتژی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و ارائه الگوی مطلوب، رساله دکتری مدیریت استراتژیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، بهمن ۱۳۸۷.
۲. زارعی، محمد حسین، حقوق اداری ایران، تقریرات درسی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیم سال اول تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰.
۳. عدالت جو، اعظم، مطالعه تطبیقی نظارت بر انتخابات پارلمان ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۷.

#### د: قوانین

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. قانون انتخابات ریاست جمهوری
۳. قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۴. قانون بودجه کل کشور.

#### ه: اساسنامه‌ها و آیین نامه‌ها

۱. اساسنامه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۲. اساسنامه خانه احزاب ایران مصوب ۱۳۷۹.
۳. مصوبات هیات وزیران.

#### ۲- انگلیسی

1. <http://www.electoralcommission.org.uk>
2. <http://www.electoralcommission.org.uk>